

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباھنگ راد
۱۰ می ۲۰۱۴

نظام جمهوری اسلامی و اوّل ماه می!

سناریوی اوّل ماه - روز جهانی کارگر - از جانب "نخبگان" و حاکمان سیاسی ایران تکراریست. گواه اسناد بر آن است که دولت‌های رنگارنگ، پیشاپیش و قبل از روز جهانی کارگر، عده‌ای را دستگیر و به بهانه‌های متفاوت مانع راهپیمایی کارگران در این روز می‌گردند. چهره حکومت دروغ و سرکوب، نه تنها در پس پرده پنهان نیست بلکه هر روز و هر دقیقه، عریان و عریان‌تر می‌شود. سر دواندن و وعده‌های سر خرمن به کارگران هم کسل کننده و تکراری شده است. باید و باید‌ها، بر سر زندگی بهتر کارگران از زبان جانبداران نظام رانده می‌شود و در عوض، اوضاعی به مراتب وخیم‌تری عاید جامعه و کارگران می‌گردد. رژیم و دولت‌های به اصطلاح مدافع کارگر در این چند دهه و به انحای گوناگون، مانع برگزاری روز جهانی کارگر - توسط کارگران ایران - گردیده‌اند و امسال هم، پاشنه و در زیر سایه دولت "امید و تدبیر" به همان مسیری چرخید که تاکنون جامعه کارگری ایران شاهد آن بوده‌اند. وزارت کار روحانی، به سیاق دولت‌های پیشین رژیم جمهوری اسلامی و به بهانه سخنرانی رئیس دولت، اجازه برگزاری روز جهانی کارگر را صادر ننموده است و از بزرگداشت روز جهانی کارگر ممانعت به عمل آورد. همان عنصری که بارها و بارها اعلام نموده است، قصد تغییر سیاسی - اقتصادی جامعه به نفع کارگران و محرومان را دارد. آری، از یکسو روحانی سخن از دفاع از حقوق کارگران و "تشکیل یابی آزاد کارگری" به میان می‌آورد و از سوی دیگر وزارت کارش، مانع برگزاری جشن اوّل ماه می توسط کارگران می‌گردد و دم و دستگاه‌های سرکوب‌گرش را به جان کارگران می‌اندازد. طبعاً چنین کرداری و آن‌هم در زیر سلطه نظام جمهوری اسلامی امر تازه و عجیب و غریبی نیست و هر ساله، کارگران در چنین روزی با تهدیدات گونه‌گونه توأم با بگیر و ببند و سرکوب مواجه‌اند.

به بیانی حقیقی کارگر در چنین روزی هم فارغ از سرکوب و بی‌حرمتی نیست و فاقد پائین‌ترین حقوق است و تبعیض جنسیتی و به تبع آن‌ها بالا کشیدن دست‌مزدهای ناچیز و بی‌آیندگی و بی‌آفتی بر فضای جامعه کارگری سایه انداخته است و کسی پاسخگوی چنین اوضاع رقت‌باری نیست. استثمارگران و مفت‌خواران حق اعتراض و درخواست مطالبات پایمندی را از کارگران سلب نموده‌اند و کارگر مجبور است در ازای ساعات فراوان و کار طاقت‌فرسا و بدون امنیت شغلی، بیمه درمانی و امکانات بهداشتی جان بکند، تا کارفرما و سرمایه‌دار، سود بیش‌تری به جیب زند. کارگر ناتوان از تهیه نان و آب و محدودیت‌های سیاسیست و در عوض تولیدات جامعه در بست و در خدمت به مخالفان طبقاتی طبقه کارگر است. فضای کارگری و تولیدی ایران، فضای تنگ و فضای مسموم کننده و بی‌رونق اقتصادی برای کارگران و محرومان است؛ فضاییست که کارگر از تأمین مخارج اولیه خود باز مانده است و اعتراض در هر میزان و مقیاسی، مترادف با بگیر و ببند و سرکوب است. در چنین اوضاع و احوال سیاسی - اقتصادی ناهنجاریست که

روحانی دارد اعلام می‌نماید که: "دولت معتقد به تشکیل‌یابی آزاد کارگری و مصمم است تا سال ۹۳ را سال رونق تولید و شکستن رکود اقتصادی اعلام کند".

البته سخن گفتن روحانی از تشکلات آزاد کارگری و همچنین رونق تولیدی و شکستن رکود اقتصادی، چیزی جز، آزادی تشکلات و تجمعات خودی در میداين کارگری و تولید بیش‌تر به نفع سرمایه‌دار و آن‌هم در ازای زندگی وخیم‌تر کارگران نیست. در نظام‌های سرمایه‌داری تولید از آن کارگر است و سود آن متعلق به حاکمان و زورگويان و پُر واضح است که مضامین و مفاهیم چنین واژه‌هایی در فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی خالی از محتواست و رونق‌بخشی اقتصاد جامعه، از منظر روحانی هم چیزی جز، گردش تولیدات مملکت به نفع استثمارگران و طبقه حاکمه و سرمایه‌دار نیست. تا به حال آشکار شده است که کار و بار "دولت امید و تدبیر" هم خارج از سیاست‌ها و اعمال دیگر دولت‌های نظام جمهوری اسلامی - نبوده و - نخواهد بود. به عبارتی "سربلندی" نظام در گسترده‌گی معیشت و در کوتاه نمودن عمر میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش است. سیاست و قانون نظام جمهوری اسلامی این‌گونه نوشته شده است و وظیفه‌اش، رفع و نابودی صدها معضل و مشکل رو در روی کارگران نیست. تورم در ایران آن‌چنان بالاست و به تبع آن گرانی اقلام اولیه زندگی ثانیه‌ای شده است و حقوق ماهیانه ۶۰۸ هزار تومانی کارگر، کفاف زندگی چند روزهاش را نمی‌دهد. در حقیقت بیش از نود درصد جامعه ایران در زیر خط فقراند و زندگی برای آنان به مانند مرگ تدریجی‌ست و به دنباله آن‌ها اگر تأثیرات مخرب و افزایش بنزین توسط دولت مدافع "اعتدال" را به آن‌ها اضافه نمائیم آن‌وقت بهتر می‌توانیم بر عمق و بر ماهیت دولت روحانی پی ببریم؛ دولتی که به‌مانند دیگر دولت‌های رژیم جمهوری اسلامی، دولت وعده و وعید، و دولت ریا و سرکوب است و کارگر بر این نظر است که "چون دولت کم آورده است می‌خواهد از جیب مردم کم کند".

باری، نگاه به جیب و سر کیسه نمودن مردم غیر قابل تصور است و روحانی هم به درد همان کاری می‌خورد که دیگر دولت‌های نظام سراسر استثمارگر خُوردند. قدرت خرید کارگر بسیار پائین آمده است و اقلام اولیه در خانه کارگر، لوکس به حساب آمده و بنابه تبلیغات و آمار و ارقام منتشره از جانب خودی‌های‌شان، بسیاری از زنان شهرهای مختلف ایران، بدون داشتن قرارداد و در شغل‌هایی مشغول به کار هستند که در ازای ۸ ساعت کار روزانه، حقوقی کمتر از ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند، در حالی‌که از زبان رئیس دولت "امید و تدبیر" اعلام می‌گردد: "تبعیض جنسیتی را نمی‌پذیریم" و یا این‌که خامنه‌ای در روز کارگر و در بازدید از مجموعه صنعتی مپنا و در دیدار با کارگران می‌گوید: "تضاد کار و کارفرما غلط است".

وقاحت، دروغ، دیده درائی سیاسی در فرهنگ رژیم جمهوری اسلامی حد و مرزی ندارد. نظامی که بنیانش با تضاد ریخته شده است و بیش از سه دهه، جامعه شاهد گسترده‌گی نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و سرازیر نمودن سرمایه‌های مملکت به جیب عده‌ای مفت‌خور می‌باشد و تضاد و شکاف طبقاتی هر روز و هر روز، عمیق‌تر و عمیق‌تر می‌شود، در همان حال خامنه‌ای از نادرستی و از غلطی تضاد کارگر با کارفرما سخن بر زبان می‌راند. خامنه‌ای نه تنها دارد ماهیت خود و نظام سراسر اجحافش را از اذهان عمومی لاپوشانی می‌کند بلکه وقیحانه اعلام می‌نماید که به رسمیت شناختن تضاد کارگر با کارفرما نه تنها غلط، بلکه مارکسیست‌ها مبلغ و مدافع آن می‌باشند!!

از منظر سرمایه و خامنه‌ای این نظام استثمارگر و رژیم جمهوری اسلامی نیست که مدافع و بانی تضاد کارگر با کارفرماست بلکه نظام خلاف سرمایه‌داری و به ویژه آرمان کمونیستی‌ست که زمینه‌ساز زندگی وخیم و انباشت سرمایه در دستان عده‌ای انگشت‌شمار، بی‌خاصیت و سرکوبگر می‌باشد. البته که چنین گفته‌های سخیفی فاقد اعتبار است و خریداری در درون جامعه ندارد و طبعاً کارگر آن را به سخره می‌گیرد و ارزشی برای آن قائل نیست. در حقیقت زندگی وخیم میلیون‌ها کارگر از یکسو و انباشتن سرمایه در دستان کارفرمایان و سرمایه‌داران و حاکمان ایران از

سوی دیگر، مبین این واقعیت است که حیات چنین نظام‌هایی و از جمله رژیم جمهوری اسلامی در گستردگی هر چه بیشتر تضاد کارگر با کارفرما و طبقه سرمایه‌دار نهفته می‌باشد. فقر و نداری در درون جامعه بیداد می‌کند و جانیانی همچون روحانی و خامنه‌ای موقعیت و افکار خود را و آن‌هم به‌عنوان عاملان و آمران چنین وضعیتی کتمان می‌نمایند. چگونه می‌توان چنین گفته‌هایی را معتبر و به رسمیت شناخت، در حالی که سرمایه‌های مملکت در جیب‌های عناصر حکومتی - دولتی تلنبار شده است و در ابعادی دهشتناک بر تعرض خود به کارگران و محرومان می‌افزایند؟

تردیدی در آن نیست که کمونیست مدافع کارگر، در تخالف با تعرض به معیشت کارگران و خواسته‌های آنان قرار دارد و همه هم و غمش، برچیدن و نابودی نظام استثمارگر و برقراری حاکمیت کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد. این نظام سرمایه‌داری است که مبلغ و مدافع استثمار و چپاول طبقه کارگر می‌باشد و سرمایه‌داران کمترین باوری به خواسته‌های سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر و محرومان نه داشته و نه هم دارند - مضافاً این‌که عناصری همچون روحانی و خامنه‌ای، در مقام و منزلتی نیستند تا از منفعت طبقه کارگر و رفع و نابودی تضاد کارگر با کارفرما سخن گویند. این خادمان نظام، کمترین اعتقاد و باوری به روز کارگر نداشته و ندارند و بی‌دلیل هم نیست که هر ساله می‌کوشند تا با برنامه‌ریزی‌های سنجیده، از تجمع و از برگزاری کارگران از این روز ممانعت به‌عمل آورند.

روز کارگر، متعلق به سرمایه‌داران نیست بلکه متعلق به همه مدافعان طبقه کارگر و متعلق به آرمانی است که خواهان نابودی بدون قید و شرط سلطه سرمایه‌داران و کارفرمایان در درون جامعه و میادین کارگری است. با این اوصاف باوری به این روز تاریخی از آن کسانی است، که باور به سامان‌بخشی طبقه کارگر علیه سرمایه‌داران داشته و بر این باوراند که در پرتو حاکمیت رژیم‌های سرکوبگر و استثمارگری همچون رژیم وابسته جمهوری اسلامی، سخن گفتن از به رسمیت شناختن حقوق مردمی و تشکل‌های آزاد کارگری و بر چیدن تضاد کارگر با کارفرما پوچ و بیهوده است. در حقیقت زمانی کارگر از دست‌مایه‌های خود سود خواهد جست، و زمانی سیاست اجحاف و استثمارگرانه کارفرما و سرمایه‌دار از شانه‌هایش بر زمین خواهد افتاد که زنجیره‌های اسارت و بندگی قطع گردد و طبقه سرمایه‌داری به زیر کشیده شود و نظام و پرچم دلخواه طبقه کارگر در سرتاسر جامعه حاکم و به اهتزاز در آید. تنها در چنین جامعه و در زیر سایه چنین نظام‌ها و مناسباتی است که طبقه کارگر طعم آزادی و طعم زندگی انسانی و طعم رفع تضاد استثمارگرانه را خواهد چشید.

۹ می ۲۰۱۴

۱۹ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۳